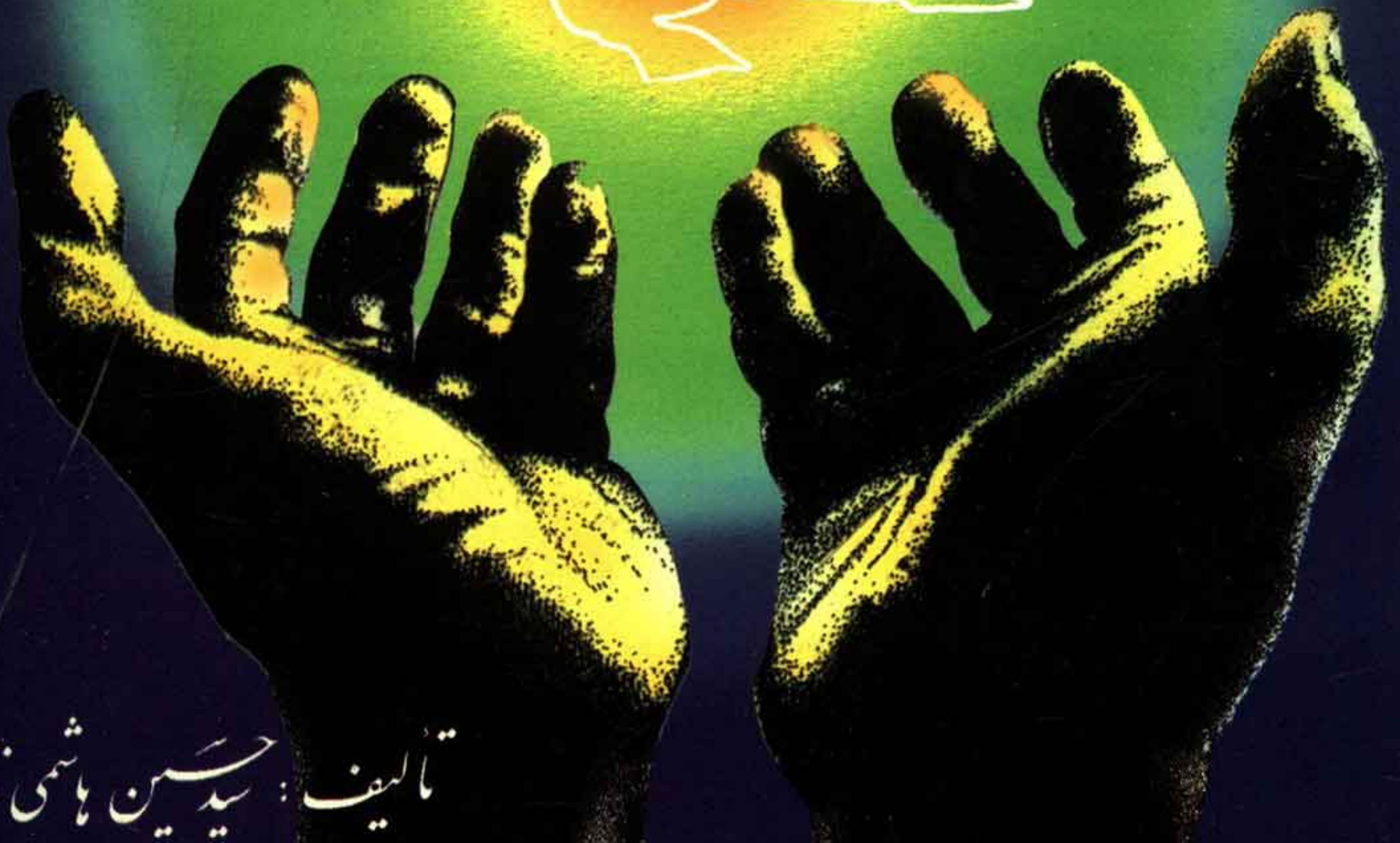
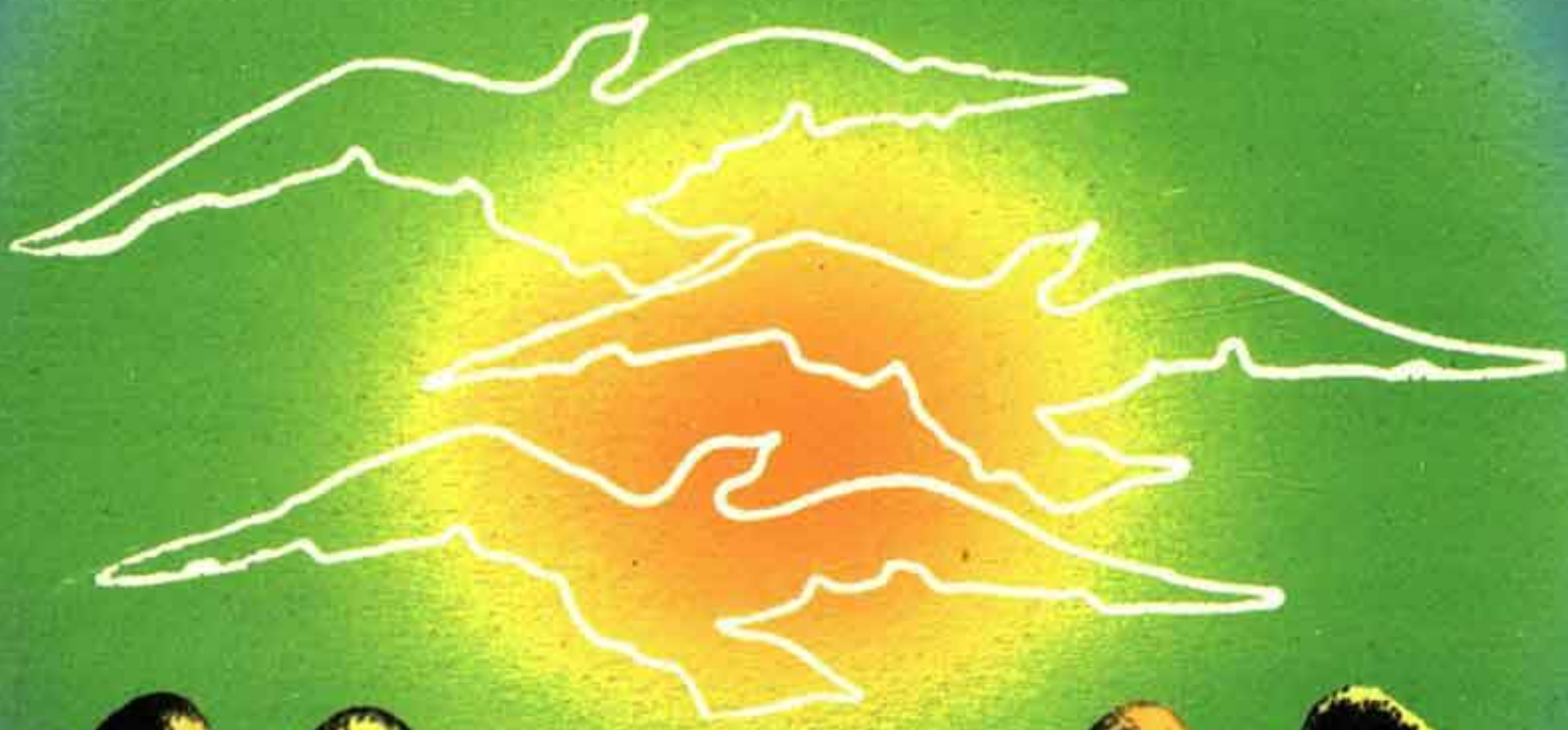
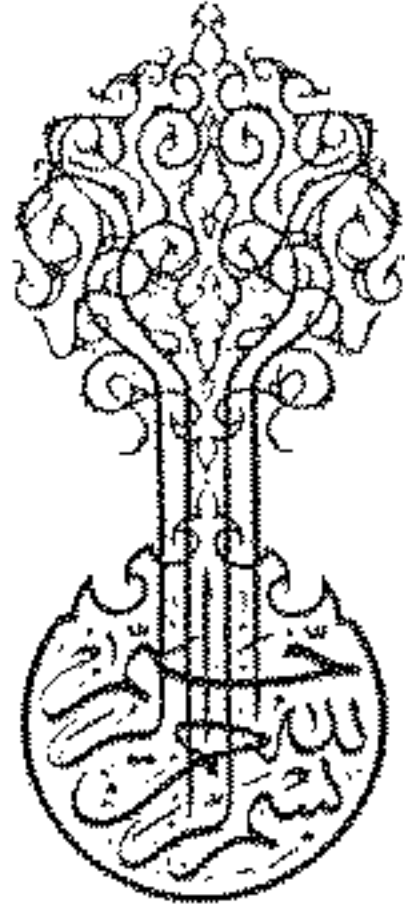


آثار دُعا

برای فرج امام زمان (عج)



تالیف: حسین هاشمی نژاد



آثار دعا

برای فرج امام زمان

عجل الله تعالی فرجه

تألیف:

حیدر حسین حاشمی شاد





نشر سبحان

میدان امام حسین (ع)، خیابان خواجه نصیر، بعد از تقاطع شهید مدنی،
کوچه شهید داستانیپور، پلاک ۳۳/۲، کد پستی: ۱۶۱۷۹
تلفن: ۷۵۳۹۲۴۶

◀ آثار دعا برای فرج امام زمان (عج)

◀ تألیف: سید حسین هاشمی نژاد

◀ ویراستار: سیروس صدوقی

▶ ناشر: نشر سبحان

▶ تعداد: ۵۰۰۰ جلد

▶ چاپ سوم: بهار ۱۳۷۹

▶ چاپ: چاپخانه ۱۲۸

▶ همکاری: دفتر طرح و اجرای کتاب

▶ شابک: ۲-۲۶-۵۹۷۸-۹۶۴-۲ / ۹۶۴-۲۶-۵۹۷۸-۲۶-۲ - ISBN: 964 - 5978 - 26 - 2

▶ قیمت: ۴۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ

وَلِيًّا وَحَافِظًا

وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا

حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا

وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.



فهرست مطالب

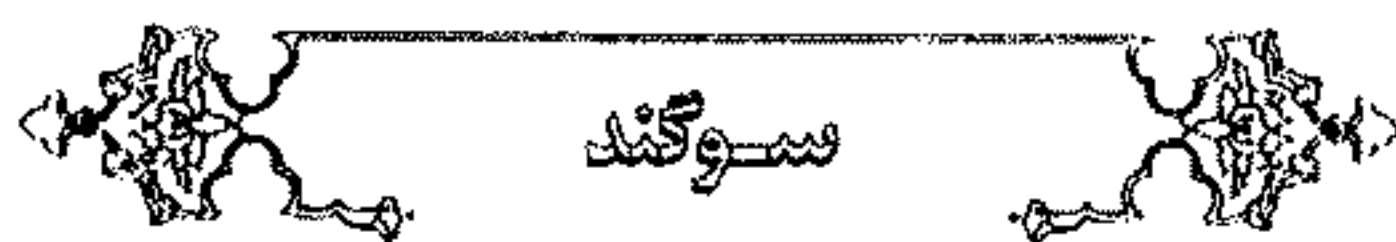
۱۵	مقدمه چاپ سوم
۱۷	پیشگفتار
۱۹	میلاذ نور
۲۲	حضرت مهدی (ع) در ضمانت و حمایت خداست
۲۴	فقط دعاگویان مهدی (ع) اهل نجاتند
۲۸	دعای داعیان را امام زمان (ع) آمین می گوید
	دعای حضرت صاحب الزمان (ع) در حق دعاکننده
۳۰	برای تعجیل فرج
	تشرّف آیه الله العظمی نجفی مرعشی به محضر
۳۴	مبارک ولی عصر (ع)
	زندگی در زمان ظهور حضرت ولی عصر (ع)
۴۰	دلپذیر است
۴۰	دگرگونی جهان



۴۲	تقسیم ثروت به طور مساوی
۴۲	رضایت و خشنودی عمومی
۴۳	بی‌نیازی همگانی
۴۵	امنیت در تمام آفرینش
۴۶	نزول برکات آسمانی و خروج نعمات زمینی
۴۷	آبادانی جهان
۴۸	رفاه همگانی
۴۹	فزونی دامها
۵۰	اصلاح مزاحمتها و رفع نقصانها
۵۲	بهترین اوقات و اماکن اجابت دعا
۵۳	اوقات اجابت دعا
۵۴	اماکن اجابت دعا
۵۶	خلاصه آثار و فواید دعا برای فرج آن بزرگوار
۶۳	نالهای فراق
۶۳	گدای چشم
۶۴	باد صبا
۶۴	مجنون در بدر
۶۵	انتظار دیدار
۶۶	در تمنای دوست
۶۷	وعدۀ وصال
۶۷	ای حجت کردگار
۶۸	نماز عشق
۶۸	لب‌نوش
۶۹	شمس عالمیان
۷۰	گفت‌وگو
۷۱	نسیم صبح

۷۱	مهدی من
۷۲	یا صاحب الزمان
۷۳	بهانه دل
۷۴	نهانخانه دل
۷۵	نوید وصل
۷۵	دانه خال
۷۶	هجر جانگداز
۷۷	دوست
۷۷	امام منتظران
۷۹	دعای امام عصر (ع)





به خداوندی خدا سوگند به نبی ختم انبیا سوگند
به کمالات اولیا سوگند به گل روی مرتضیٰ سوگند

دوست دارم تو را، بیا مهدی
ز کرم گیر دست ما، مهدی

به بهشت جمال نیکویت به سیاهی تار گیسویت
به نگاه دو چشم مینویت به کمانخانه دو ابرویت

دوست دارم تو را، بیا مهدی
ز کرم گیر دست ما، مهدی

به مقام ولای تو سوگند به صفیر صدای تو سوگند



به صفای دعای تو سوگند به گل اشکهای تو سوگند
دوست دارم تو را، بیا مهدی
ز کرم گیر دست ما، مهدی

به قد و قامت دل آرایت به دو دست چو شاخ طوبایت
به فراخی صدر زیبایت به غبار کف قدمهایت
دوست دارم تو را، بیا مهدی
ز کرم گیر دست ما، مهدی

به خم گیسوی نکوشامت به شکوه و نشاط ایامت
به همه عاشقان بی نامت به همه بستگان در دامت
دوست دارم تو را، بیا مهدی
ز کرم گیر دست ما، مهدی

به شکسته دلان منتظرت به دل افسردگان خون جگرت
به همه راهیان دربدرت به گدایان بینوای درت
دوست دارم تو را، بیا مهدی
ز کرم گیر دست ما، مهدی

به مقامات حضرت زهرا به شکوه و جلالت زهرا
به حیا و به عصمت زهرا به کبودی صورت زهرا
دوست دارم تو را، بیا مهدی
ز کرم گیر دست ما، مهدی

به حسین و علی اکبر او به حسین و علی اصغر او
به حسین و دو دیده تر او به حسین و به خشک حنجر او
دوست دارم تو را، بیا مهدی
ز کرم گیر دست ما، مهدی

به تن و جان خسته زینب به دل خون نشسته زینب
به دو بازوی بسته زینب به جبین شکسته زینب

دوست دارم تو را، بیا مهدی
ز کرم گیر دست ما، مهدی

به دل داغ‌دیده عباس به سرشک چکیده عباس
به دو دست بریده عباس به تن خون‌تپیده عباس
دوست دارم تو را، بیا مهدی
ز کرم گیر دست ما، مهدی

به رقیه و چشم خونبارش به رقیه و ناله زارش
به رقیه و جسم بیمارش به رقیه و شام دیدارش
دوست دارم تو را، بیا مهدی
ز کرم گیر دست ما، مهدی

به شئون آدمی سوگند به عنایات فاطمی سوگند
به تو جانان عالمی سوگند به همه هستی "هاشمی" سوگند
دوست دارم تو را، بیا مهدی
ز کرم گیر دست ما، مهدی



مَقَدِّمَةٌ چَافِ سَومِ

بِسْمِهِ تَعَالَى

شکر و سپاس فزون می‌گوییم حق تعالی را که نعمت ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام را به ما ارزانی داشت و ما را از متمسکین و متوسّلین به ذیل عنایتشان قرار داد. از آنجا که چاپ اوّل و دوم کتاب آثار دعا برای فرج امام زمان^(ع) (کتاب حاضر) مورد توجه و استقبال شیعیان و دوستداران آقا امام زمان^(عج) قرار گرفت و کمیاب شد، اکنون بنا به درخواست جمعی از شیفتگان حضرتش چاپ سوم آن با ویرایش و پیرایش جدید و اصلاحات و اضافات تقدیم می‌شود. امید است خوانندگان گرامی این کتاب را پس از مطالعه در اختیار محبتان آن حضرت قرار دهند تا دیگران هم به یکی از وظایف خود در زمان غیبت نسبت به امام زمان علیه السّلام آشنا گردند. تا یار که را خواهد و میلش به که باشد.

تهران، ۱۶ محرم الحرام ۱۴۲۱ هـ ق

سید حسین هاشمی نژاد

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا
اللَّهُ، وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى مَنْ دَنَى فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ
قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى أَشْرَفَ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمَ السُّفْرَاءِ وَ
الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدَ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ
سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ الْأَمَامَ الْمُنتَظَرَ الْحُجَّةَ الثَّانِي
عَشَرَ حُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ أَرْوَاحَ الْعَالَمِينَ لِتُرَابِ
مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ.

در یکی از روزهای ماه جمادی الاولی سال ۱۴۱۸ هـ ق
در کتابخانه خود نشسته و مشغول مطالعه درباره امام
زمان علیه السلام بودم که ناگهان به ذهنم خطور کرد
چند سطرى راجع به حضرت ولّى عصر (عج) بنویسم و
آن را تا نیمه شعبان ۱۴۱۸ هـ ق که میلاد نور است، در
اختیار شیفتگان و دلباختگان حضرتش قرار دهم. پس
قلم به دست گرفتم و با استعانت از پیشگاه قدسی اش و

به عنایت آن بزرگوار، موفق شدم کتاب حاضر را تقدیم عاشقان حضرتش کنم و به این ترتیب گامی کوچک در راه ولی نعمتم و مولایم بردارم. در نوشتن بنا را بر اختصار نهادم، چون معمولاً کتابهای قطور خوانندگان کمتری دارد و کتابهای کوچک و مختصر علاقه‌مندان بیشتری را به خود جذب می‌کند. موضوع کتاب درباره یکی از وظایف مهم شیعیان در زمان غیبت است که همانا دعا کردن برای فرج حضرتش می‌باشد. آثار فرج آن بزرگوار در عالم پدیدار شده و یکی از مقدمات ظهور حضرتش طبق روایات شریفه تحقق انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه است که ان شاء الله این تحوّل عظیم به ظهور حضرتش منتهی گردد و چشمان مشتاقان منتظرش به جمال نورانیش روشن گردد. امید است این خدمت ناچیز مقبول درگاه ملکوتیش قرار گیرد و این عرض ادب را با لطف بی‌پایانش بپذیرد.

يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ
وَ أَوْفٍ لَنَا الْكَيْلُ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا.

غرض نقشی است کز ما باز ماند
که دنیا را نمی‌بینم بقایی
مگر صاحب‌دلی روزی ز احسان
کند در حق مسکینان دعایی

تهران، ۷ رجب‌المرجّب ۱۴۱۸ هـ ق
سید حسین هاشمی‌نژاد

در غروب شامگاه نیمه شعبان حضرت امام حسن عسکری
علیه السلام به عمّه اش حکیمه خاتون فرمود: امشب نزدم افطار
کن، که باری تعالی تو را شاد می گرداند به دیدار حجّت خویش
که حجّت برحق در روی زمین خواهد بود.

حکیمه خاتون گفت: مادرش کیست؟

حضرت فرمود: نرجس.

سپس حکیمه خاتون عرض کرد: سوگند به خدا که در او
هیچ گونه آثار حمل دیده نمی شود.

امام فرمود: عمّه، حقیقت همان است که برایت گفتم. امشب
پسرم مهدی به دنیا می آید.

حضرت نرجس خاتون در خواب بود و هیچ گونه اثر حمل

و درد زایمان در او محسوس نبود. در این حال، حکیمه خاتون به نماز و نیایش مشغول بود و حضرت نرجس خاتون نیز برای مناجات و نماز برخاست و پس از انجام عبادت دوباره خوابید.

حکیمه خاتون متعجب و متحیر بود. چون از طرفی خبر غیبی حضرت عسکری علیه السلام و از طرف دیگر، نبودن قراین حمل در حضرت نرجس خاتون را مشاهده می کرد. امام حسن عسکری علیه السلام که ولی خدا بود، از شک و تردید عمه اش آگاه بود و لذا با صدای بلند به او فرمود: ای عمه، شک مکن که همین ساعت، مهدی را خواهی دید ان شاء الله تعالی. ناگاه حضرت نرجس خاتون از خواب بیدار شد و در خود احساس درد نمود.

حکیمه خاتون می گوید: دیدم نرجس خاتون می لرزد. او را در آغوش گرفتم و به امر امام سوره توحید و قدر را قرائت کردم و با کمال تعجب شنیدم که حضرت مهدی علیه السلام نیز از داخل بطن مادرش این سوره ها را می خواند. در این هنگام حضرت نرجس خاتون از چشمم غایب شد و او را ندیدم. پس مضطرب شدم و خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم و ماجرا را عرض کردم. حضرت فرمود: نگران مباش و برگرد که نرجس را در جای خود خواهی دید.

برگشتم به سوی اطاق نرجس، ناگهان دیدم نوری زیبا می درخشد و حجت حق حضرت مهدی علیه السلام متولد شده

و پیشانی خود را بر روی زمین نهاده است و در کنار مادرش می گوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ». سپس به هر یک از اجداد طاهرینش از حضرت علی علیه السلام تا پدر بزرگوارش سلام و تحیّت فرستاد و به پیشگاه خداوند متعال عرض کرد: پروردگارا، آنچه را به من وعده کردی، برایم آسان گردان و کارم را به پایان رسان و قدمهایم را ثابت فرما و به وسیله من عدالت و دادگستری را در روی زمین جاری نما.

حکیمه خاتون می فرماید: امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «عمّه، فرزندم مهدی را بیاور!» و من او را به محضر پدر بزرگوارش بردم. حضرت دست نوازش بر سر و صورت فرزندش کشید و زبان مبارکش را در دهان او گذاشت و سپس فرمود: ای فرزندم، به اذن خدا سخن بگو. حضرت مهدی (عج) به زبان آمده فرمود:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ
نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ
أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ^۱.

حضرت مهدی (ع) دو ضمانت و حمایت خداست

قال ابو محمد الحسن العسكري (ع): لَمَّا وَهَبَ لِي رَبِّي
مَهْدِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ أَرْسَلَ مَلَكَيْنِ. فَحَمَلَاهُ إِلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ
حَتَّى وَقَفَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ لَهُ مَرْحَبًا بِكَ عَبْدِي
لِنُصْرَةِ دِينِي وَإِظْهَارِ أَمْرِي وَمَهْدِيَّ عِبَادِي آلَيْتُ إِنِّي بِكَ
أَخُذُوا وَبِكَ أُعْطِيَ وَبِكَ أَعْفِرُ وَبِكَ أُعَذِّبُ أُرُدُّدَاهُ أَيُّهَا
الْمَلَكَانِ رُدَّاهُ، رُدَّاهُ عَلَى أَبِيهِ رَدًّا رَفِيقًا وَابْلِغَاهُ فَإِنَّهُ فِي
ضِمَانِي وَكَنْفِي وَبِعَيْنِي إِلَى أَنْ أُحِقُّ بِهِ الْحَقَّ وَأُزْهِقَ بِهِ
الْبَاطِلَ وَيَكُونَنَّ الدِّينُ لِي وَاصِبًا.^۱

حضرت عسکری علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند

مهدی این امت را به من بخشید، دو ملک را فرستاد. پس او را به سراپرده‌های عرش بردند تا اینکه او را در محضر خدای عزوجل قرار دادند. پس خداوند به او فرمود: آفرین به تو بنده‌ام برای یاری دینم و اظهار امرم و هدایت بندگانم. سوگند می‌خورم که به سبب تو بگیرم و به خاطر تو عطا کنم و به جهت تو ببخشم و به خاطر تو عذاب کنم (ملاک من در عطا و عذاب و رحمت، تو هستی). برگردانید او را ای دو ملک. برگردانید او را به سوی پدرش با مهربانی، پس بدرستی که او در ضمانت و حمایت من است و چشم من به اوست تا اینکه حق را به وسیله او محقق کنم و باطل را به دست او نابود سازم و دین برای من پابرجا شود.

فَتْحَاتُ دَعَاكُمْ يَا مَنْ مَهْدِي (ع) الْمَطْلَبُ فَجَائِدٌ

یکی از وظایف مهمّ شیعیان دعا کردن برای فرج مولای
انس و جان حضرت صاحب الزّمان است که خود فرمودند:

وَ أَكْثَرَ الدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ^۱

و برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید که آن فرج شماست.

برکات دعا برای فرج به خود ما برمی گردد. مرحوم آیه الله
موسوی اصفهانی دو جلد کتاب به امر مطاع امام زمان
علیه السّلام نوشت به نام مکیال المکارم فی فوائد الدّعاء للقائم.
تمام مطالب این کتاب ارزنده درباره این موضوع است که دعا

کردن برای فرج آن بزرگوار چه فوایدی را نصیب دعاکننده می‌گرداند. در روایتی، حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام یکی از فواید مهمّ دعا را نجات از هلاکت در زمان غیبت بیان می‌فرماید. روایت مهمّ ذیل را با دقت تمام بخوانید:

احمد بن اسحاق گوید: به حضور حضرت عسکری علیه‌السلام رسیدم و بنا داشتم از آن حضرت درباره‌ی امام بعد از او سؤال کنم. حضرت به قدرت امامت از باطنم آگاه شدند و فرمودند:

يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَقَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُخْلِ الْأَرْضَ
مُنْذُ خَلَقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا يُخْلِهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ
مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ بِهِ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ بِهِ
يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بِهِ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ.

قال فَقُلْتُ لَهُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنِ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدَكَ.
فَنَهَضَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُسْرِعاً فَدَخَلَ الْبَيْتَ ثُمَّ خَرَجَ وَ عَلَى
عَاتِقِهِ غُلَامٌ كَأَنَّ وَجْهَهُ الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ مِنْ أَبْنَاءِ ثَلَاثِ سِنِينَ
فَقَالَ يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَقَ لَوْ لَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
عَلَى حُجَجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا إِنَّهُ سَمِيٌّ رَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ كَنِيَّتِهِ وَ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً
وَ عَدْلاً كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلماً يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَقَ مِثْلُهُ فِي
هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلُ الْخَضِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مِثْلُهُ مِثْلَ ذَا الْقَرْنَيْنِ. وَ
اللَّهُ لَيُعَيِّنَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُوا مِنَ الْهَلَكَةِ فِيهَا إِلَّا مَنْ ثَبَّتَ اللَّهُ

عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ
فَرَجِهِ.

فَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ يَا مَوْلَايَ فَهَلْ مِنْ عِلْمَةٍ يَطْمِئِنُّ إِلَيْهَا
قَلْبِي.

فَنَطَقَ الْغُلَامُ بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ فَصَبَحَ فَقَالَ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ
وَ الْمُنتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَ لَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدَ بْنَ
إِسْحَاقَ.^۱

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: ای احمد
ابن اسحاق بدرستی که خداوند خالی نگذاشت زمین را از
حجّت از زمان حضرت آدم، و نخواهد گذاشت تا اینکه
قیامت به پا شود. به سبب آن حجّت بلا را از زمین دفع
می کند، و به خاطر او باران را نازل می کند، و به وجود او
زمین برکاتش را بیرون می دهد.

احمد بن اسحاق می گوید: گفتم ای پسر رسول خدا، امام و
خلیفه بعد از تو کیست؟

پس امام بسرعت برخاست و داخل [اندرون] خانه شد،
سپس بیرون آمد در حالی که روی دوشش پسری سه
ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشید.
حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: ای احمد
ابن اسحاق، اگر تو نزد خدا و حجتهای خدا عزیز و گرامی
نبودی، هیچگاه این فرزندم را به تو نشان نمی دادم.
بدرستی که او هم اسم رسول خدا صلی الله علیه و آله و
هم کنیه اوست، و اوست کسی که زمین را پر از عدل و داد
می کند پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد. ای احمد بن

اسحاق، مَثَل او در این اُمَّت مَثَل خُضر علیه السَّلَام و مَثَل او مَثَل ذوالقرنین است. به خداوند سوگند او دارای غیبتی است طولانی که نجات پیدا نمی‌کنند مردم در آن زمان از هلاکت مگر کسی که خدای عزوجل او را بر قول به امامتش ثابت بدارد و او را موفق کند در آن زمان غیبت که برای تعجیل فرجش دعا کند.

احمد بن اسحاق گفت: ای مولای من، آیا علامتی هست که دلم اطمینان پیدا کند به آن علامت؟
پس آن پسر خوش‌سیما [که جان همه عالم به فدایش باد] به زبان عربی گویا آغاز به سخن کرد و فرمود: بقیة الله در زمین منم، انتقام‌گیرنده از دشمنان منم، و پس از مشاهده عینی من دنبال اثری نگرد ای احمد بن اسحاق.

پس هر کس که می‌خواهد در دنیای پر آشوب کنونی از نجات یافتگان و رستگاران باشد، باید خود را به وسیله دعا و توسل و تضرع به آستان حضرتش نزدیک کند تا مشمول دعای آن بزرگوار گردد.

آثار دعا برای
فرج امام زمان



دعای دعا بیان و امام زمان (ع) آمین می گویند

طبق روایات وارده هنگامی که موالیان و دوستان خاندان عصمت و طهارت دعا می کنند، اولیای خدا آمین می گویند؛ و چه ارزشمند است دعایی که حضرت اباصالح المهدی علیه السلام آمینش را بگوید. برای اثبات گفتارمان به بیان یک روایت بسنده می کنیم:

محمد بن الحسن الصفار در بصائر الدرجات به سند خود از ابوالربیع شامی آورده است که گفت:

به حضرت ابو عبدالله صادق علیه السلام عرضه داشتم: از عمرو بن اسحاق حدیثی به من رسیده.
فرمود: آن را عرضه کن.

گفتم: وی بر امیرالمؤمنین علی علیه السلام داخل شد، پس

آن حضرت آثار زردی بر صورتش دید، فرمود: «این زردی چیست؟». پس بیماری که در او بود، توضیح داد. آن حضرت به او فرمود: «ما خوشحال می شویم به خوشحالی شما، و اندوهگین می گردیم به حزن شما، و بیمار می شویم به بیماری شما، و دعا می کنیم برای شما، و شما که دعا می کنید ما آمین می گوئیم». عمرو به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: «آنچه فرمودید دانستم، ولی چگونه ما دعا می کنیم شما آمین می گوئید؟». آن حضرت فرمود: «بر ما یکسان است حاضر و دور».

امام صادق علیه السلام فرمود: عمرو راست گفته است.^۱



دعای حضرت صاحب الزمان (ع)
در حقّ دعا کننده
برای تسخیر فرج

بی تردید دعا کردن برای آن بزرگوار، نصرت و یاری
اوست، چون یکی از انواع نصرت، یاری کردن به زبان است، و
دعا برای آن حضرت یکی از اقسام یاری کردن به زبان است.
قرآن مجید می فرماید:

وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا...

و هرگاه محبت و ستایش شدید، به بهتر یا نظیر آن جواب
دهید....

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی ذیل آیه شریفه می گوید:

سلام و کارهای نیک دیگر.^۱

پرواضح است که دعا از بهترین انواع نیکی است، پس اگر مؤمن برای مولای خود خالصانه دعا کند، مولایش نیز برای او دعا می‌کند، و دعای آن بزرگوار کلید همه خیرات و برکات و فلاح و رستگاری است. شاهد و مؤید این مدعا روایت ذیل است:

جمعی از اهالی اصفهان از جمله ابوالعبّاس احمد بن النّصر و ابو جعفر محمّد بن علویّه نقل کردند که:

شخصی به نام عبدالرحمن در اصفهان ساکن بود که شیعه بود. از او پرسیدند: چرا به امامت حضرت امام علی النّقی علیه السّلام معتقد شدی؟

گفت: چیزی دیدم که سبب اعتقاد محکم من شد. من مردی فقیر بودم و زبان و جرأت داشتم. در یکی از سالها اهل اصفهان مرا از شهر بیرون کردند، من با جمعی دیگر برای شکایت به دربار متوکل رفتیم. در حالی که در دربار او بودیم، دستوری از او صادر شد که علی بن محمّد بن الرضا علیه السّلام را حاضر کنند. به یکی از حاضران گفتم: «این مرد کیست که دستور احضارش داده شده؟». گفت: «او مردی علوی است که رافضیان معتقد به امامتش هستند». سپس گفت: «چنین می‌دانم که متوکل او را برای کشتن حاضر می‌کند». گفتم: «از اینجا

۱. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۴۵.



نمی روم تا این مرد را ببینم که چگونه شخصی است».

گوید: پس آن حضرت سوار بر اسب آمد و مردم از سمت راست و چپ راه، در صف ایستاده بودند و به او نگاه می کردند. هنگامی که او را دیدم، محبتش در دلم جا گرفت، شروع کردم در دل برای او دعا کردن که خداوند شرّ متوکل را از او دفع نماید. او در بین مردم پیش می آمد و به کاکل اسبش نگاه می کرد، نه به چپ نظر می کرد و نه به راست، و من در دل دعایم را تکرار می کردم. هنگامی که به کنارم رسید، صورتش را به سویم گردانید، سپس فرمود: «خداوند دعایت را مستجاب کند و عمرت را طولانی نماید و مال و فرزندات را زیاد سازد». از هیبت و عظمت او به خود لرزیدم و در میان رفقایم رفتم. دوستانم پرسیدند چه شد؟ گفتم خیر است. و به هیچ کس نگفتم. پس از این ماجرا به اصفهان برگشتم و خداوند به برکت دعای او راههایی از مال دنیا بر من گشود، به طوری که امروز من تنها هزار هزار درهم ثروت در خانه دارم غیر از اموالی که خارج از خانه دارم، و صاحب ده فرزند شدم و اکنون هفتاد و چند سال از عمرم می گذرد. من به امامت آن بزرگوار قائلم که آنچه در دلم بود، دانست و خداوند دعایش را در باره ام مستجاب کرد.

ای دوستان امام زمان علیه السلام، خوب در این روایت بنگرید که چگونه یک انسانی که اهل ایمان نبود، به خاطر یک

دعا برای حضرت هادی علیه السلام و دعای آن امام همام در حقش، صاحب ثروت و عزت و ایمان و تقوا گردید. پس اگر ما که از شیعیان و دوستان حضرت صاحب الزمان علیه السلام هستیم برای آن بزرگوار دعا کنیم و متقابلاً حضرت ما را دعا بفرمایند، چه برکات عجیبی در زندگی ما پیدا خواهد شد.

مرحوم آیه الله موسوی اصفهانی در کتاب مکیال المکارم (ج ۱، ص ۳۸۶) نقل می کند که: یکی از برادران صالحم برایم نقل کرد که آن حضرت را در عالم رؤیا مشاهده کرده و آن بزرگوار به او فرموده اند: من برای هر مؤمنی که پس از ذکر مصائب سید الشهداء در مجالس عزاداری دعا می کند، دعا می کنم.

آثار دعا برای
فرج امام زمان

تشرّف
آیة الله العظمیٰ نجفی مرعشی
به محضر مبارک ولیّ عصر (ع)

در کتاب قبسات در شرح حال زندگی مرحوم آیة الله نجفی مرعشی آمده است که این بزرگوار سه مرتبه خدمت باهرالنور حضرت صاحب الزمان علیه السلام مشرف شده اند. به عنوان تیمّن و تبرک، ترجمه یکی از تشرّفات معظمّ له را که حاوی نکاتی جالب و آموزنده است، برای خوانندگان عزیز نقل می‌کنیم. ایشان فرموده‌اند:

در ایّام تحصیل در نجف اشرف شوق زیادی به دیدار جمال مولایمان حضرت بقیّة الله الاعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - داشتم. با خویش عهد بستم که چهل شب چهارشنبه پیاده به مسجد سهله مشرف شوم، به این نیت که جمال نورانی حضرت صاحب الامر علیه السلام را زیارت کنم

و به این فوز بزرگ نائل شوم. شب چهارشنبه سی و پنجم و یا سی و ششم بود، در آن شب رفتیم از نجف اشرف به تأخیر افتاد و هوا ابری و بارانی بود. نزدیک مسجد سهله خندقی بود، هنگامی که به آنجا رسیدم، بر اثر تاریکی شب وحشت و ترس وجود مرا فرا گرفت، مخصوصاً از جهت ازدیاد دزدها و قطع الطریقها. ناگهان صدای پایی از پشت سر شنیدم که بیشتر موجب ترس و وحشت شد. برگشتم به عقب، سید عربی را با لباس اهل بادیه دیدم. نزدیک من آمد و با زبان فصیح گفت: ای سید، سلام علیکم.

تا صدای او را شنیدم، ترس و وحشتم برطرف شد و سکون و آرامش خاطر پیدا کردم. برایم تعجب آور بود که چگونه آن شخص در تاریکی شدید، متوجه سیادت من شد، و در آن لحظه از این مطلب غافل بودم. به هر حال سخن می گفتیم و می رفتیم. از من سؤال کرد: قصد کجا داری؟

گفتم: مسجد سهله.

فرمود: به چه نیت؟

گفتم: به قصد تشرّف و زیارت ولی عصر علیه السلام.

مقداری که رفتیم، به مسجد کوچکی که به مسجد زید بن صوحان شهرت دارد و در نزدیکی مسجد سهله است، رسیدیم. داخل مسجد شده نماز خواندیم. بعد از نماز، دعایی خواند، گانّ دیوارها و سنگها آن دعا را با او زمزمه می کردند. احساس انقلاب عجیبی در خود نمودم که از وصفش عاجزم. بعد از دعا،

سید فرمود: سید، تو گرسنه‌ای، چه خوب است شام بخوری.
سپس سفره‌ای را که زیر عبا داشت، بیرون آورد و در آن
مثل اینکه سه قرص نان و دو یا سه خیار سبز تازه بود که گویی
تازه از باغ چیده بودند، و آن وقت وسط زمستان بود و سرمای
زنده‌ای بود و من متوجه به این معنا نشدم که این آقا خیار تازه
سبز را در این فصل زمستان از کجا آورده‌است.^۱ طبق دستور
مولا شام خوردم. سپس فرمود: بلند شو تا به مسجد سهله
برویم.

داخل مسجد شدیم، آقا مشغول اعمال وارده در مقامات
شد و من هم به متابعت آن بزرگوار انجام وظیفه می‌کردم و بدون
اختیار نماز مغرب و عشاء را به آن عزیز اقتدا کردم و متوجه
نبودم که این آقا کیست. بعد از آنکه اعمال تمام شد، آن نازنین
فرمود: ای سید، آیا مثل دیگران بعد از اعمال مسجد سهله به
مسجد کوفه می‌روی یا در همین جا می‌مانی؟
گفتم: می‌مانم.

در وسط مسجد در مقام امام صادق علیه السلام نشستیم. به
سید گفتم: آیا چای یا قهوه یا دخانیات میل داری آماده کنم؟
در جواب، کلام جامعی را فرمود که در اعماق وجودم اثر
گذاشت به گونه‌ای که هرگاه یادم می‌آید، ارکان وجودم
می‌لرزد. فرمود: این امور از فضول زندگی است و ما از این

۱. در آن زمانها وسایل ارتباطات ترابری این قدر وسعت پیدا نکرده بود که در همه فصول
سال انواع میوه‌ها در عمه جا پیدا شود.

فضولات دوریم.

به هر حال مجلس نزدیک دو ساعت طول کشید و در این مدت مطالبی ردّ و بدل شد که به بعضی از آنها اشاره می‌کنم:

۱. در رابطه با استخاره سخن به میان آمد، سیّد عرب فرمود: ای سیّد، با تسبیح چگونه استخاره می‌کنی؟

گفتم: سه مرتبه صلوات می‌فرستم و سه بار می‌گویم: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ». پس قبضه‌ای از تسبیح را گرفته می‌شمارم، اگر دو تا ماند، بد است و اگر یکی ماند، خوب است.

فرمود: برای این استخاره مطلبی هست که به شما نرسیده و آن مطلب این است که هرگاه یکی ماند، فوراً حکم به خوبی استخاره نکنید، بلکه توقّف کنید و دوباره بر ترک عمل استخاره کنید. اگر زوج آمد، کشف می‌شود که استخاره اول خوب است اما اگر یکی آمد، کشف می‌شود که استخاره اول میانه است.

به حسب قواعد علمیّه باید دلیل می‌خواستیم زیرا به جای دقیق و باریکی رسیده بودیم، ولی به مجرد این قول، تسلیم و منقاد شدم و در عین حال غافل بودم که این آقا کیست.

۲. تأکید فرمودند بر تلاوت و قرائت این سوره‌ها بعد از نمازهای واجب: بعد از نماز صبح سوره یس، بعد از نماز ظهر سوره عمّ، بعد از نماز عصر سوره نوح (البته بعضی نقلهای دیگر دارد که سوره عصر)، بعد از نماز مغرب سوره واقعه و بعد از نماز عشاء سوره ملک.

۳. تأکید فرمودند بر خواندن دو رکعت نماز بین مغرب و عشاء که در رکعت اول بعد از حمد، هر سوره‌ای خواستی بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره واقعه را بخوان، و فرمود: کفایت می‌کند این نماز از خواندن سوره واقعه بعد از نماز مغرب چنانکه گفته شد.

۴. سفارش فرمودند که: بعد از نمازهای پنجگانه، این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ سَرِّحْنِي عَنِ الْهُمُومِ وَالْغُمُومِ وَوَحْشَةِ الصُّدْرِ وَوَسْوَسَةِ الشَّيْطَانِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۵. سفارش فرمودند بر خواندن این دعا بعد از ذکر رکوع در نمازهای یومیّه، خصوصاً در رکعت آخر: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ عَجْزِنَا وَآغِثْنَا بِحَقِّهِمْ».

۶. در تعریف و تمجید از شرایع الاسلام محقق حلی فرمودند: تمام مطالب آن مطابق با واقع است مگر کمی از مسائل آن. ۷. تأکید فرمودند به خواندن قرآن و هدیه کردن ثوابش به ارواح شیعیانی که وارثی ندارند یا وارثی دارند و یادی از آنها نمی‌کنند.

۸. تأکید فرمودند بر تحت‌الحنک را از زیر گردن دور دادن و سر آن را در عمامه قرار دادن، چنانکه علمای عرب به همین شکل عمل می‌کنند، و فرمود: در شرع چنین وارد شده است.

۹. تأکید فرمودند بر زیارت سیدالشهداء علیه السلام.

۱۰. دعا در حقّ فرمودند که: «جَعَلَكَ اللَّهُ مِنْ خَدَمَةِ

الشَّرْعِ» (خداوند تو را از خدمتگزاران شرع قرار دهد).

۱۱. پرسیدم: نمی‌دانم آیا عاقبت کارم خیر است و آیا من

نزد صاحب شرع مقدّس روسفیدم؟

فرمود: عاقبت تو بخیر و سعیت مشکور است و نزد صاحب شرع روسفیدی.

گفتم: نمی‌دانم آیا پدر و مادر و اساتید و ذوی‌الحقوق از

من راضی هستند یا نه؟

فرمود: تمام آنها از تو راضی‌اند و در باره‌ات دعا می‌کنند.

استدعای دعا کردم برای خودم که موفق باشم برای تألیف

و تصنیف کتب. دعا فرمودند.

مطالب دیگری رد و بدل شد که مجال تفصیل و بیانش

نیست. پس برخاستم که از مسجد بیرون روم به خاطر حاجتی.

آمدم نزد حوضی که وسط راه قبل از خارج شدن از مسجد قرار

دارد. به ذهنم خطور کرد که امشب چه شبی است و این سیّد

عرب کیست که این همه بافضیلت است، شاید این آقا همان

محبوب و معشوقم باشد. مضطرب شدم و برگشتم و آن گل

زیبای نرجس خاتون را ندیدم و کسی هم در مسجد نبود. یقین

پیدا کردم که حضرت صاحب‌الزّمان علیه‌السّلام را زیارت

کردم. مشغول گریه و زاری شدم و همچون مجنونی سرگردان

در اطراف مسجد گردش می‌کردم و تا صبح چون عاشقی که بعد

از وصال مبتلا به فراق گشته است، واله و حیران بودم. هرگاه

یاد آن شب می‌افتم، بهت زده می‌شوم.

زندگی در زمان ظهور حضرت ولی عصر (ع) دلپذیر است

یکی از عواملی که سبب می شود مردم از دعا کردن برای فرج امام زمان علیه السلام غفلت ورزند، عدم آگاهی آنها به زندگی لذتبخش در زمان ظهور آن بزرگوار است. برای اینکه موالیان و دوستان حضرت بدانند در زمان ظهور چه تحوّل و دگرگونی عجیبی در دنیا پیدا می شود، به چند روایت از حضرات ائمه معصومین علیهم السلام اشاره می کنیم.

دگرگونی جهان

امام صادق علیه السلام تحوّل جهان را در زمان ظهور حضرت صاحب الامر و الزّمان در پرتو آیه شریفه «وَ أَشْرَقَتِ

الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»^۱ چنین بیان می فرماید:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ
عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ وَيَعْمُرُ الرَّجُلُ فِي مَلِكِهِ
حَتَّى يُوَلِّدَ لَهُ أَلْفَ ذَكَرٍ لَا تُوَلِّدُ فِيهِمْ أُنْثَى وَتَظْهَرُ الْأَرْضُ
كُنُوزِهَا حَتَّى تَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا وَيَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ
مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْ زَكَاتِهِ لَا يُوجَدُ أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ
ذَلِكَ إِسْتَعْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.^۲

هنگامی که قائم ما قیام کند:

۱. زمین با نور پروردگارش روشن می شود.
۲. مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند.
۳. تاریکی از بین می رود.
۴. عمر انسان بقدری طولانی می شود که خداوند هزار پسر به او مرحمت می کند.
۵. خزاین نهفته زمین بر مردم ظاهر می شود و در برابر دیدگان آنها قرار می گیرد.
۶. مردم به دنبال کسی می روند که از آنها زکات و صدقات بپذیرد و نمی یابند.
۷. مردم به فضل پروردگارشان بی نیاز می شوند.

خداوند توفیق یاری آن بزرگوار و زندگانی کردن در زیر سایه اش را به تمام شیفتگانش مرحمت فرماید.

۱. زمر / ۶۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

تقسیم ثروت به طور مساوی

بی عدالتی‌ها و ظلمهایی که در عالم می‌شود، به خاطر کمبود ثروت نیست بلکه به دلیل تقسیم ظالمانه آن در جهان است. در مقابل هزاران انسان گرسنه‌ای که هر روز در گوشه و کنار کشورهای فقیر و غنی از کمبود غذا می‌میرند، انسانهای زیادی هستند که بر اثر پرخوری و افراط در عیش و نوش هلاک می‌شوند، و این به خاطر تقسیم غیر عادلانه ثروت در جوامع بشری است. ولی در عصر پرشکوه حکومت جهانی حضرت بقیة الله الاعظم - روحی و ارواح العالمین مقدمه له الفداء - ثروت به طور مساوی زیر نظر آن عادل مطلق تقسیم می‌گردد، چنانکه در احادیث مختلف وارد شده است:

إِذَا قَامَ مَهْدِيُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ.^۱

چون مهدی ما اهل بیت قیام نماید، ثروت را به طور مساوی تقسیم می‌کند و عدالت را در بین مردم پیاده می‌کند.

رضایت و خشنودی عمومی

در حکومت عدل پرور حضرت ولی عصر علیه السلام تمام

مردم از او خشنود می‌شوند حتی پرندگان هوا و درندگان صحرا، چنانکه در احادیث شریف آمده است:

فَيَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ وَ الْوَحُوشُ وَ
الْحَيَاتَانُ فِي الْبَحْرِ.^۱

اهل زمین و آسمان با پرندگان هوا، درندگان صحرا و ماهیان دریا، همه و همه از او خشنود می‌شوند.

خشنودی در دل زندگان و مردگان نیز پیدا می‌شود، چنانکه در حدیث آمده است:

وَ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا دَخَلَ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرْحَةُ فِي قَلْبِهِ وَ فِي
قَبْرِهِ.^۲

مؤمنی باقی نماند جز اینکه این خشنودی به او می‌رسد، یا در قلبش و یا در قبرش.

بی‌نیازی همگانی

در زیر سایه حکومت عدالت‌گستر آن امام همام، همگان مستغنی می‌شوند به اندازه‌ای که در روی زمین محتاجی پیدا نمی‌شود که زکات و صدقات را بپذیرد، چنانکه در روایات مختلف بیان شده است:

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۲.

۲. اعلام الوری، ص ۴۳۵.

لِيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَطُوفُ الرَّجُلُ فِيهِ بِالصَّدَقَةِ مِنْ
الذَّهَبِ ثُمَّ لَا يَجِدُ أَحَدًا يَأْخُذُهَا مِنْهُ.^۱

زمانی برای مردم خواهد رسید که انسان شمشهای طلا با
خود حمل می‌کند که در راه خدا انفاق کند، ولی کسی
(فقیری) را پیدا نمی‌کند که آن را قبول کند.

فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِيَصَدَّقْتَهُ وَلَا لِيَبْرَهُ
لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ.^۲

انسان در آن روز (در زمان حکومت حضرت ولی عصر
علیه السلام) برای صدقات و مبرات خود جایی پیدا نمی‌کند،
چون بی‌نیازی همه مؤمنان را فرا می‌گیرد.

حتی در زمان آن نازنین، دل‌های مردم همه بی‌نیاز می‌گردد
و حرص و طمع و صفت زیاده‌طلبی از قلوب آنها زایل می‌شود
و دل‌ها نیز صفت بزرگواری پیدا می‌کنند:

وَ يَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّةِ.^۳

در روزگار او پروردگار بی‌نیازی را در دل این امت قرار
می‌دهد.

در زمان کنونی که دوران غیبت آن عزیز است، هر کس
گدایی آستان ملک پاسبانش را آموخت، از غیر او مستغنی

۱. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲. اعلام الوری، ص ۴۳۲.

۳. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۴.

گردید و بی‌نیاز شد، زیرا گدایی در خانه‌اش از سلطنت دنیا و آخرت بمراتب ارزشمندتر است. حقیر در یکی از غزلیّاتم که به عنایتش سروده شده است، آورده‌ام:

دل من از غم هجران رُختِ غمگین است
بار هجران تو بر سینه من سنگین است
به گدایی تو بر پادشهان فخر کنم
پادشاهی که گدایت نبود مسکین است
کاسه‌لیسی سر سفره تو ما را بس
کاسه‌لیس در تو زندگی‌ش تأمین است
شادم از آنکه اسیر غم عشق تو شدم
گرچه تلخ است فراق تو، غمت شیرین است
همه گویند که از عشق تو دیوانه شدم
عشق تو کیش من و دین من و آیین است
چه کنم گر نکنم گریه ز هجران رُخت
گریه آبیست که بر آتش دل تسکین است
لحظه‌ای بر در کاشانه مادر بنگر
که هنوز از اثر خون پسر رنگین است
تازیانه چو عدو بر تن مامت می‌زد
دیده‌باب تو از دیدن آن خونین است
«هاشمی» را به سراپرده اسرار بخوان
چون که در خادمیت سابقه‌اش دیرین است

امنیت در تمام آفرینش

در عهد شکوه‌مند منجی عالم بشریت حضرت اباصالح المهدی (عج) دل‌های مردم از کینه و عداوت خالی می‌شود و

سرانجام امنیّت و آرامش سراسر گیتی را فرامی گیرد.

و لَذَهَبَتِ الشَّخْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اضْطَلَحَتِ السَّبَاغُ وَ
الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْءَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ
قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَنْبِيلٌ لَا يَهِيْجُهَا سَبْعٌ وَ
لَا تَخَافُهُ.^۱

کینه‌ها از دلها زدوده می‌شود و درندگان و چهارپایان با
یکدیگر سازش می‌کنند تا جایی که یک زن با طبعی بر سر
از عراق تا شام تنها سفر می‌کند، همه جا قدم بر سرزمین
سبز و خرم می‌گذارد و درنده‌ای او را نمی‌آزارد و گرفتار
ترس و اضطراب نمی‌شود.

نزول برکات آسمانی و خروج نعمات زمینی

در احادیث گوناگونی آمده است که در زمان آن حجّت
حق برکات آسمانی زیاد می‌گردد و گنجهای زمینی ظاهر
می‌شود:

لَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَدْرِهَا شَيْئاً إِلَّا أَخْرَجَتْهُ وَ لَا السَّمَاءُ مِنْ
قَطْرِهَا شَيْئاً إِلَّا صَبَّهُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِدْرَاراً.^۲

زمین چیزی از بذرهای خود را نگه نمی‌دارد مگر اینکه آن
را بیرون می‌دهد، و آسمان چیزی از باران رحمتش را نگه

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۲۶.

۲. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۶۵.

نمی‌دارد جز اینکه آن را سیل آسا بر مردم فرو می‌ریزد.

ابن عبّاس از رسول خدا روایت می‌کند که دربارهٔ حکومت جهانی مهدی موعود علیه‌السلام فرماید:

تَأْمَنُ الْبَهَائِمُ وَالسَّبَاعُ وَتُلْقَى الْأَرْضُ أَفْلَاحَ كَبِدِهَا.

چهارپایان در امانند و درندگان سازش می‌کنند و زمین پاره‌های جگرش را بیرون می‌ریزد.

ابن عبّاس سؤال می‌کند: پاره‌های جگر زمین چیست؟ رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌می‌فرماید:

أَمْثَالُ الْأُسْطُوَانَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ.

مانند ستونهایی از طلا و نقره است (که در زمان حکومت امام زمان (عج) از زمین بیرون می‌ریزد).^۱

آبادانی جهان

در عصر پرنور حضرت ولیّ عصر علیه‌السلام طبق احادیث وارده سرتاسر جهان آباد می‌شود:

فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمُرًا.^۲

۱. همان مأخذ، ص ۵۱۴.

۲. اعلام الوری، ص ۴۳۳.

در روی زمین خرابه‌ای باقی نمی‌ماند جز اینکه آباد می‌شود.

خرابی جهان بر اثر ظلم و بی‌عدالتی است، اما هنگامی که آن خسرو عدالت‌گستر بر جهان حاکم باشد، تمام ویرانیها تبدیل به آبادانی می‌گردد تا جایی که همگان آرزو می‌کنند ای کاش پدران، مادران و عزیزان از دست‌رفته‌شان زنده بودند و طعم زندگی لذتبخش زمان حکومت آن یوسف زهرا(س) را می‌چشیدند.

فَيُظْهِرُ عَلَىٰ كُلِّ جَبَّارٍ وَابْنِ جَبَّارٍ وَيُظْهِرُ مِنَ الْعَدْلِ مَا يَتَمَنَّى
لَهُ الْأَحْيَاءُ أَمْوَاتَهُمْ.^۱

بر هر ظالم و ظالم‌زاده پیروز می‌گردد و عدالتش آن قدر در جهان آشکار می‌شود که زندگان آرزو می‌کنند ای کاش درگذشتگان‌شان بودند و آن زندگی شکوهمند و روزگار طلایی را می‌دیدند.

رفاه همگانی

رفاه عمومی در زمان آن خورشید فروزان ولایت به اوج خود می‌رسد، چنانکه در روایات مختلف از طرق فریقین آمده است که رسول خدا(ص) فرمود:



تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ يُرْسِلُ
السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مَذْرَارًا وَ لَا تَدَعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَسَابَتِهَا إِلَّا
أَخْرَجَتْهُ وَ الْأَمْالُ يَوْمَئِذٍ كُدُوسٌ يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيُّ
أَعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ.^۱

آثار دعا برای
فرج امام زمان

امت من در زمان حضرت مهدی (ع) آنچنان از نعمتها برخوردار می‌شوند که هرگز نظیر آن دیده نشده است. آسمان سیل آسا بر آنان فرو می‌ریزد، زمین تمام گیاهانش را می‌رویاند و ثروت آن روز روی هم انباشته می‌شود و هر کس بگوید: ای مهدی، بر من عطا کن. می‌فرماید: بگیر [و به او عطا می‌کند].

اکنون که در دوران فراق جانسوزش هستیم، ولی نعمت ماست و همه نیازهای مادی و معنوی ما را از خوان کرمش مرحمت می‌فرماید. اگرچه رعایای خوبی برای آن مولا نیستیم اما آن کریم و کریم‌زاده به اعمال زشت ما نمی‌نگرد و ما را از عطا و احسانش محروم نمی‌گرداند.

نااهل و سزای نوازش نیم ولی

نااهل و اهل پیش کریمان برابر است

فزونى دامها

هنگامی که در جهان فزونی گیاه باشد، فزونی دامها نیز به

وجود می آید که در احادیث به این فزونی تصریح شده است:

يَخْرُجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ يَسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ وَ تُخْرِجُ
الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَيُعْطَى الْمَالَ صِحاحاً وَ تَكْثُرُ الْمَاشِيَةُ وَ تَعْظُمُ
الْأُمَّةُ.^۱

در پایان امت من (آخر الزمان) مهدی (ع) خارج می شود که
خداوند با باران رحمتش او را سیراب می کند، زمین گیاهش
را می رویاند، ثروت به طور مساوی تقسیم می گردد، دام در
جهان افزون می شود و امت اسلامی با عظمت می گردد.

اصلاح مزاحمتها و رفع نقصانها

در دنیای کنونی، ما شاهد هستیم که مردم به اشکال مختلف
برای یکدیگر مزاحمت ایجاد می کند، اما در دوران باشکوه
حکومت ولی الله الاعظم تمام مزاحمتها به هر شکلی که باشد،
از بین می رود. در دهها حدیث به نمونه هایی از این اقدامات
اصلاحی اشاره شده است که ما در اینجا به بیان یک نمونه
بسند می کنیم:

وَ وَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ وَ كَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ فِي الطَّرِيقِ وَ
أَبْطَلَ الْكَنَفَ وَ الْمَازِيْبَ إِلَى الطَّرِيقَاتِ وَ لَا يَشْرُكُ بِدَعْوَةٍ إِلَّا
أَزَالَهَا وَ لَا سُنَّةَ إِلَّا أَقَامَهَا.^۲

۱. تاریخ مابعدالظهور، ص ۷۷۴.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۶۵.



راههای اصلی را توسعه می‌دهد، بالکونهای را که به داخل جاده‌ها [و خیابانها] آمده برمی‌دارد و ناودانهای را که به کوچه‌ها می‌ریزد از بین می‌برد. هیچ بدعتی نمی‌ماند جز اینکه از بین می‌برد و هیچ سنتی نمی‌ماند مگر اینکه برپا می‌دارد.

آثار دعا برای
فرج امام زمان



راستی چه شیرین است زندگی در زیر سایه‌اش و در زمان حضورش. در خاتمه این بحث دست به دعا برمی‌داریم و می‌گوییم:

پروردگارا، لباس فرج را بر اندام زیبای دلربایش بپوشان و دل نازنینش را با بشارت ظهورش مسرور فرما و توفیق دیدار جمال ملکوتیش را با عافیت نصیب گردان بمنک و کرمک یا ارحم الراحمین.

بهترین اوقات و اماکن اجابت دعا

متأسفانه بسیار دیده می‌شود که در محافل دینی و جلسات مذهبی اهمیت فوق‌العاده و خاصی به دعا برای فرج آن عزیز داده نمی‌شود، در حالی که شیعه حاجتی مهمتر از فرج آن بزرگوار ندارد و وظیفه این است که در بهترین اوقات و اماکن اجابت دعا، اول فرج آن امام همام را از خدا مسئلت کنیم.

یکی از علمای وارسته و برجسته نجف به کربلای معلی مشرف می‌شود و در حرم مطهر امام حسین علیه‌السلام شرفیاب محضر مقدس امام عصر (عج) می‌گردد. حضرت به او می‌فرماید: فلانی، بین اینجا که دعا مستجاب است مردم به فکر من نیستند و برای فرج دعا نمی‌کنند.

سپس حضرت تصرف ولایتی می‌فرمایند و آن عالم ربّانی

خواسته‌های درونی مردم را می‌شنود که هر کدام برای حوایج
 خصوصی خود دعا می‌کنند. حضرت می‌فرمایند: شنیدی؟ حتی
 یکی نفر از این زایران نگفت که خدایا، فرج مهدی را برسان.
 برای اینکه خوانندگان گرامی با اوقات اجابت دعا و اماکن
 آن بیشتر آشنا گردند، به این اوقات و اماکن اشاره می‌کنیم تا
 هرگاه دوستان حضرت و شیفتگان وصال در آن لحظات خاص
 و در آن اماکن مقدسه قرار گرفتند، برای فرج امام زمان
 علیه‌السلام دعا کنند.

● اوقات اجابت دعا:

۱. سحر
۲. بعد از نمازهای واجب
۳. بین الصلواتین
۴. بین الطلوعین
۵. هنگام آمدن باران
۶. هنگام وزیدن بادهای
۷. هنگام شنیدن اذان
۸. هنگام رؤیت هلال
۹. در قنوت نماز وتر
۱۰. هنگام رؤیت کعبه
۱۱. هنگام غروب خورشید
۱۲. ایام و لیالی ماه مبارک رمضان



۱۳. روز عرفه

۱۴. شب و روز جمعه

۱۵. هنگام صف آرایی لشکریان حق در مقابل باطل

۱۶. شب عید فطر

۱۷. شب عید قربان

۱۸. شب نیمه شعبان

۱۹. شب اول ماه رجب

۲۰. هنگامی که نیمی از خورشید غروب کرده و نیم

دیگرش در حال غروب کردن است، زیرا در روایت دارد که

حضرت زهرا سلام الله علیها به غلامش می فرمود: بالای

بلندیها و پشتهها برو، چون دیدی نصف قرص خورشید از افق

غروب کرده، به من اعلام کن تا دعا کنم.^۱

برای پیدا کردن اوقات دیگر اجابت دعا می توانید به

کتابهای دعا مانند مفاتیح الجنان و دیگر کتب ادعیه مراجعه کنید.

● اماکن اجابت دعا:

۱. مساجد

۲. حریم کعبه

۳. هنگام رؤیت کعبه

۴. مقام ابراهیم

۵. رکن یمانی

۶. بین مقام و میزاب

۷. چاه زمزم

۸. صفا و مروه

۹. میزاب

۱۰. حجر اسماعیل

۱۱. حجر الاسود

۱۲. داخل بیت الله

۱۳. منی

۱۴. مشعر

۱۵. حرم النبی

۱۶. کربلا

۱۷. حرم مقدس ائمه معصومین علیهم السلام

۱۸. در بقاع امامزادگان

۱۹. در مجالس ذکر فضایل اهل بیت علیهم السلام

و در هر مکانی که انسان احتمال بدهد معنویتی دارد،

انسان باید برای فرج آن بزرگوار دعا کند و به یاد ولی عصر

علیه السلام باشد، که فرموده‌اند: فرج من فرج شماست.



خلاصه آثار و فواید دعا برای فرج آن بزرگوار

صاحب مکیال المکارم خلاصه آثار و فواید و ویژگیهایی را که بر دعا کردن برای تعجیل فرج مترتب است، بیان می‌کند و ما هم به جهت اینکه کتاب مکیال المکارم که به امر مطاع ولی عصر علیه السلام نوشته شده کتابی مبارک و پرخیر است، مطالب آن را ذیلاً نقل می‌کنیم:

دعاکننده برای فرج حضرت مشمول برکات زیر می‌گردد:

۱. اطاعت از امر مولایش کرده است، که فرموده‌اند: و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که فرج شما در آن است.
۲. این دعا سبب زیاد شدن نعمتها می‌گردد.
۳. و اظهار محبت قلبی است.
۴. و نشانه انتظار است.

۵. و زنده کردن امر ائمه اطهار علیهم السلام است.

۶. و مایه ناراحتی شیطان لعین است.

۷. و اداء قسمتی از حقوق آن حضرت است (که اداء حق هر

صاحب حق واجب ترین امور است).

۹. و تعظیم خداوند و دین خداوند است.

۱۰. حضرت صاحب الزمان علیه السلام در حق دعاکننده دعا

می کند.

۱۱. شفاعت آن حضرت در قیامت شامل حال او می شود.

۱۲. و شفاعت پیامبر ان شاء الله شامل حال او می شود.

۱۳. و این دعا امثال امر الهی و طلب فضل و عنایت اوست.

۱۴. و مایه استجاب دعا می شود.

۱۵. و اداء اجر رسالت است.

۱۶. و مایه دفع بلاست.

۱۷. و سبب وسعت روزی است ان شاء الله.

۱۸. و باعث آمرزش گناهان می شود.

۱۹. و دعاکننده مشرف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب

می شود.

۲۰. و در زمان ظهور آن حضرت به دنیا رجعت می کند.

۲۱. و از برادران پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود.

۲۲. و فرج مولای ما حضرت صاحب الزمان علیه السلام زودتر

واقع خواهد شد.

۲۳. و سبب پیروی از پیغمبر و امامان - صلوات الله علیهم

اجمعین - می شود.

۲۴. و وفای به عهد و پیمان الهی است.

۲۵. و آثار نیکی به والدین برای دعاکننده فرج حاصل می گردد.

۲۶. و فضیلت رعایت و اداء امانت برایش حاصل می شود.
۲۷. و سبب زیاد شدن اشراف نور امام علیه السلام در دل او می گردد.
۲۸. و دعا برای فرج موجب طولانی شدن عمرش خواهد شد ان شاء الله.
۲۹. و موفق به تعاون در کارهای نیک و تقوا می شود.
۳۰. و به نصرت و یاری خداوند و پیروزی بر دشمنان به کمک خداوند توفیق می یابد.
۳۱. و هدایت می شود به نور قرآن مجید.
۳۲. و نزد اصحاب اعراف معروف می گردد.
۳۳. و به ثواب طلب علم نائل می شود ان شاء الله.
۳۴. و از عقوبت‌های اخروی ان شاء الله در امان می ماند.
۳۵. و در هنگام مرگ به او مژده می رسد و با او به نر می رفتار می شود.
۳۶. و این دعای برای فرج، اجابت دعوت خدا و رسول صلی الله علیه و آله است.
۳۷. و با امیرالمؤمنین علیه السلام محشور و در درجه آن حضرت خواهد بود.
۳۸. و محبوب ترین افراد نزد خداوند می گردد.
۳۹. و عزیزترین و گرامی ترین افراد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می شود.
۴۰. و ان شاء الله از اهل بهشت خواهد بود.
۴۱. و دعای پیامبر صلی الله علیه و آله شامل حالش می گردد.
۴۲. و کردارهای بد او به کردارهای خوب تبدیل می شود.
۴۳. و خداوند در عبادت او را تأیید فرماید.

۴۴. و ان شاء الله با این دعا عقوبت از اهل زمین دور می شود.

۴۵. و ثواب کمک به مظلوم را دارد.

۴۶. و ثواب احترام به بزرگتر و تواضع نسبت به او را دارد.

۴۷. و پاداش خونخواهی حضرت سیدالشهداء علیه السلام را دارد.

۴۸. و شایستگی دریافت احادیث ائمه اطهار علیهم السلام را می یابد.

۴۹. و نور او برای دیگران نیز [در روز قیامت] درخشان می گردد.

۵۰. و هفتاد هزار نفر از گنهکاران را شفاعت می کند.

۵۱. و دعای امیرالمؤمنین علیه السلام روز قیامت شاملش می شود.

۵۲. و بی حساب داخل بهشت می شود.

۵۳. و از تشنگی قیامت در امان می ماند.

۵۴. و در بهشت جاودان خواهد بود.

۵۵. و مایه خراش روی ابلیس و مجروح شدن دل اوست.

۵۶. و روز قیامت هدیه های ویژه ای دریافت می دارد.

۵۷. و خداوند عزوجل از خدمتکاران بهشت نصیبش می فرماید.

۵۸. و در سایه گسترده خداوند قرار می گیرد و رحمت بر او نازل می شود مادامی که مشغول آن دعا باشد.

۵۹. و پاداش نصیحت مؤمن را دارد.

۶۰. و مجلسی که در آن برای حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه - دعا شود، محل حضور فرشتگان گردد.

۶۱. و دعاکننده مورد مباحات خداوند قرار می گیرد.



۶۲. و فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند.
۶۳. و از نیکان مردم محسوب می گردد.
۶۴. و این دعا اطاعت از اولیای امر است که خداوند اطاعتشان را واجب کرده است.
۶۵. و مایه خرسندی خدای عزوجل می شود.
۶۶. و مایه خشنودی پیامبر می گردد.
۶۷. و این دعا خوشایندترین اعمال نزد خداوند است.
۶۸. و دعا گوی فرج حضرتش از کسانی خواهد بود که خداوند در بهشت به او حکومت دهد ان شاء الله تعالی.
۶۹. و حساب او آسان می گردد.
۷۰. و این دعا برای او در عالم برزخ انیس و مونس مهربانی خواهد بود.
۷۱. و بهترین اعمال است.
۷۲. و باعث دوری غمها می شود.
۷۳. و دعای هنگام غیبت بهتر از دعای هنگام ظهور است.
۷۴. و فرشتگان درباره دعا کننده دعا می کنند.
۷۵. و دعای حضرت سیدالساجدین علیه السلام - که نکات و فواید متعددی دارد - شامل حالش می شود.
۷۶. و این دعا تمسک به ثقلین (کتاب و عترت) است.
۷۷. و چنگ زدن به ریسمان الهی است.
۷۸. و سبب کامل شدن ایمان است.
۷۹. و مانند ثواب همه بندگان به او می رسد.
۸۰. و این دعا برای فرج از تعظیم شعائر خداوند است.
۸۱. و گوینده این دعا ثواب کسی را دارد که با پیامبر صلی الله علیه و آله شهید شده باشد.

۸۲. و ثواب کسی دارد که در زیر پرچم حضرت قائم شهید شده باشد.

۸۳. و ثواب احسان به حضرت صاحب الزمان علیه السلام را دارد.

۸۴. و دعا ثواب گرامی داشتن عالم را دارد.

۸۵. و پاداش گرامی داشتن شخص کریم را دارد.

۸۶. و دعاکننده در میان گروه ائمه اطهار علیهم السلام محشور می شود.

۸۷. و درجات او در بهشت بالا می رود.

۸۸. و از بدی حساب در روز قیامت در امان می ماند.

۸۹. و در روز قیامت به بالاترین درجات شهدا نائل می گردد.

۹۰. و به شفاعت حضرت زهرا سلام الله علیها رستگار می گردد.

جای تأسف است که بسیاری از موالیان آن حضرت از دعا برای فرج آن بزرگوار غافل مانده و از این فیوضات زیادی که بر دعای آن حضرت مترتب است محرومند. امید است ان شاء الله این مختصر مطالبی که درباره فواید دعا برای فرج آن بزرگوار نوشتم، سبب تذکر و تنبّه دوستان حضرتش گردد و همگی در صدر حوایج مشروعه، برای فرج آن امام انس و جان دعا کنند. تا چه قبول افتد و که در نظر آید.

فاله‌های فراق



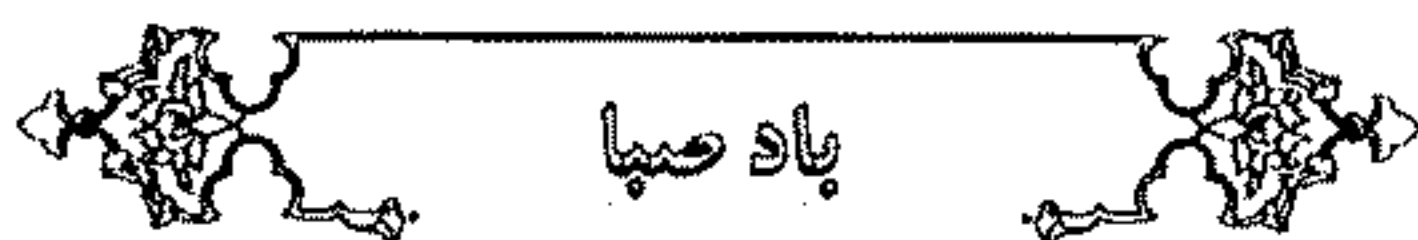
ای خاک مَقْدَم تو مرا توتیای چشم
یک بار پای خویش بنه در سرای چشم
از بس که اشک بهر فراق تو ریختم
اشکم به گریه آمده است از برای چشم
تنها دعای دیده من دیدنت بود
یک بار مستجاب نما این دعای چشم
در هر گلی جمالِ رُخْت جلوه می‌کند
زیباتر از گلی و بود این خطای چشم
کن جلوه‌ای که روی نکوی تو بنگرد
بیچاره عاشقی که شده مبتلای چشم

گفتم به اشک غسل بده دیده مرا

تا اوقتد به چهره آن دلربای چشم

چون «هاشمی» که بر سر راحت نشسته است

چشم طمع به دست تو دارد گدای چشم



ای باد صبا، چه باصفا می آیی

گویا ز حریم یار ما می آیی

ای باد صبا، غبار راحت گوید

از طرّف کدامین کف پا می آیی

ای باد صبا، شمیم عطرت گوید

از کوی عزیز مصطفی می آیی

ای باد صبا، لطافت می گوید

از محضر لطف کبریا می آیی

ای باد صبا، نسیم روح افزایت

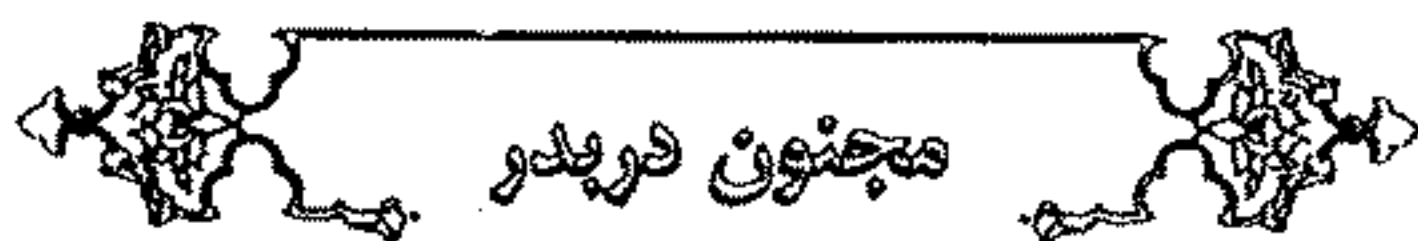
گوید که ز رحمت خدا می آیی

ای باد صبا، طراوتت می گوید

با مژده وصل آشنا می آیی

ای باد صبا، چو «هاشمی» می گویم

هنگام سحر فرح فزا می آیی



به یاد روی تو ای دوست هر سحر گریم

گاهی ز چشم دل و گه ز چشم سر گریم

چو شمع انجمن عاشقان دلخسته

ز داغ هجر تو ای دوست از جگر گریم

تو بوسفتی و چو یعقوب دلشکسته زار

در انتظار تو ای نازنین پسر گریم

چو طفل رانده شده از سرای خود همه شب

نهاده سیر به روی آستان در گریم

فراق روی تو آواره کرده است مرا

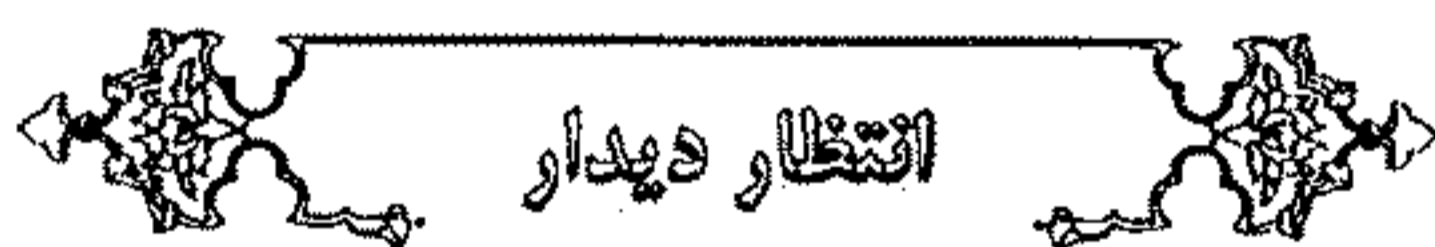
به دشت و کوه چون مجنون در بدر گریم

به جای آب که بر راه دوست می ریزند

کنار راه تو با دیدگان تر گریم

قلم گریست به همراه «هاشمی» گفتا

به یاد روی تو ای دوست هر سحر گریم



تا کی برای دیدن رویت دعا کنم

تا کی ز سوز سینه تو را من صدا کنم

ای جنّت و نعیم ز روی تو باصفا

بازای تا ز وصل تو جان باصفا کنم

گر منتی نهی و قدم بر سرم نهی

بر دیده خاک پای تو را توتیا کنم

هستی غریب عصر و زمان صاحب الزمان

اذنم بده که دیده به تو آشنا کنم

بهر ظهور نور جمال تو ای عزیز

تا کی دو دست خویش به سوی خدا کنم

گرچه بلا قرین ولا گشته از ازل

کو صبر تا تحقل درد و بلا کنم

آثار دعا برای
فرج امام زمان

در هر سحرگهان به امید وصال تو
از خواب ناز چشم رمد دیده وا کنم
یک نظره گر نصیب شود دیدنت مرا
جانا به رونمای تو جان را فدا کنم
چون «هاشمی» سحر به تمنای وصل تو
گیرم ز خواب دیده و بهرت دعا کنم

دو تمنای دوست

تا کی به اشک و آه تمنای کنم تو را
جانا بیا دمی که تماشا کنم تو را
اقبید دل به راه وصال نشسته‌ام
تا یک نظر به آن قدر عنا کنم تو را
وقت سحر امید اجابت رود که من
با سوز دل دعا به سحرها کنم تو را
گفتم چه چاره آتش سوزان عشق را
گفتا به آب دیده تسلی کنم تو را
ای مشعر و منی ز صفای تو باصفا
من از صفا و مژه تمنای کنم تو را
از درد هجر تو دل مجروح ناله کرد
گفتم به وصل یار مداوا کنم تو را
ای غایب از نظر به خدا من هم از خدا
چون «هاشمی» همیشه تقاضا کنم تو را

وَعْدَةُ وَصَالٍ

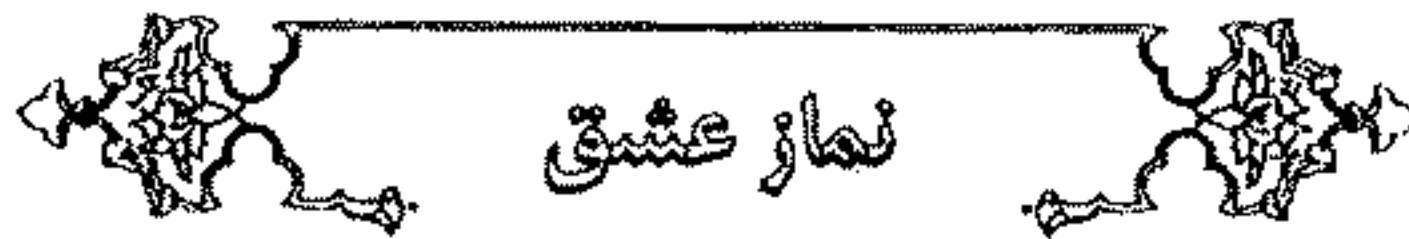
شبی به شوق وصال دلم بهانه گرفت
شرار عشق تو در سینه‌ام زبانه گرفت
به دل وصال تو را وعده کردم اما دل
به آه و ناله ز کاشانه‌ات نشانه گرفت
زبان دل که بود اشک دیده خونین
چو جوی آب ز چشمان من ترانه گرفت
دل شکسته به امید دیدن رویت
سراغ خانه تو از من عاشقانه گرفت
چو ناامید شد از من به ناله سحری
نشان کوی تو از هر دیار و خانه گرفت
به آن ستاره زیبای آسمان رخت
که مه ز تابش آن نور جاودانه گرفت
به «هاشمی» ز عنایت نگر به مکتب عشق
که غیر عشق تو درس دگر فسانه گرفت

ای حجت کردگار

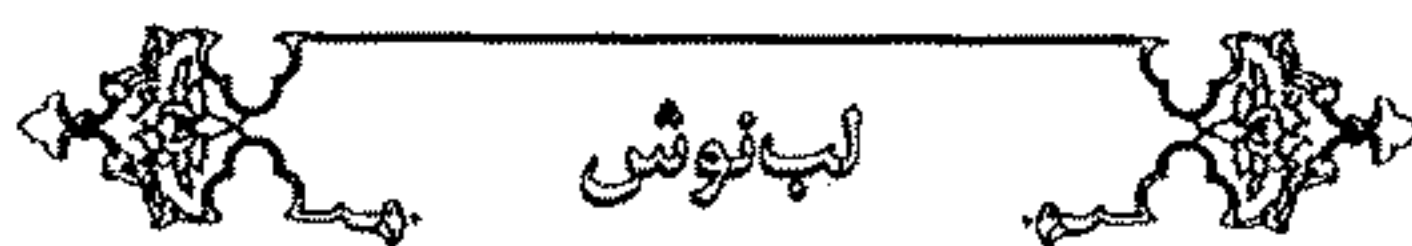
ای خاتم هشت و چار، مهدی	ای حجت کردگار، مهدی
عالم به غمت دچار، مهدی	تنها نه منم اسیر عشقت
آواره هر دیار، مهدی	تا کی ز برای دیدنت من
کردی تو مرا شکار، مهدی	مسرورم از اینکه با نگاهت
در خلوت شام تار، مهدی	یاد تو بود فروغ جانم
نام تو مرا شعار، مهدی	بر چوبه دار عشق باشد
دارد ز تو انتظار، مهدی	بیچاره دل شکسته من



تا از سر لطف پا گذاری
با این دل بی قرار زارم
بر دیده اشکیار، مهدی
بگذار شبی قرار، مهدی
با بنده روسیاه عاصی
یک لحظه بیا کنار، مهدی
با ناله زار، «هاشمی» گفت
دستی به دلم گذار، مهدی



شبی وصال جمال تو آرزو کردم
به دل ز حسن و کمال تو گفت و گو کردم
چو روی پاک نبیند مگر که دیده پاک
به اشک دیده از آن دیده شست و شو کردم
به بوی طرّه مشکین خویش مستم کن
که من به یاد تو صدها شکوفه بو کردم
سر فراق سلامت، وصال اگر نبود
که با فراق تو عمری بود که خو کردم
تو قبله گاه منی در نماز عشق، حبيب
درین نماز، جمال تو جست و جو کردم
برای آنکه نمازم قبول خاطر تو
شود به اشک زدم غوطه، پس وضو کردم
شتاب هیچ مکن «هاشمی» رسد روزی
که نغمه ساز کنی اقتدا به او کردم



شب هجران تو ای دوست سحر خواهد شد
روشن از دیدن تو دیده تر خواهد شد

آرزوی همه منتظران قدمت

با تماشای جمال تو بسر خواهد شد

غم مخور ای دل مسکین که عزیز زهرا

جلوه‌ای می‌کند و غم به سفر خواهد شد

گرچه بی‌دوست بود تلخ‌تر از زهر حیات

زندگی با لب نوشش چو شکر خواهد شد

سحری جلوه نما تا به مرادم برسم

نخل امید من آخر به ثمر خواهد شد

جگرم سوخته از داغ غم هجرانت

خنک از کوثر وصل تو جگر خواهد شد

«هاشمی» در سحری گفت دلا غصه مخور

شامل لطف پدر نیز پسر خواهد شد

شمسِ عالمیان

دلم ز دوری رویت قرار و تاب ندارد

میان ما و رخت جز گنه حجاب ندارد

به اشک دیده نوشتم هزار نامه برایت

مگر که نامه بیچارگان جواب ندارد

نسیم صبح سلام به دلبرم برسان

بگو جواب سلامم مگر ثواب ندارد

به آسمان جمالت ستاره نازیباست

که تاب دیدن روی تو آفتاب ندارد

نشسته دیده نازت میان صفزده مژگان

شکوه صفزده مژگان تو شهاب ندارد

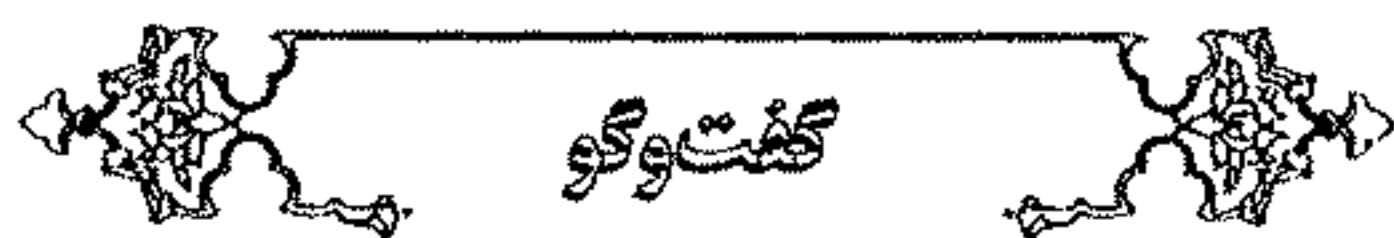
تو شمسِ عالمیانی ز روی پرده بیفکن

که آفتاب به رخسار خود نقاب ندارد

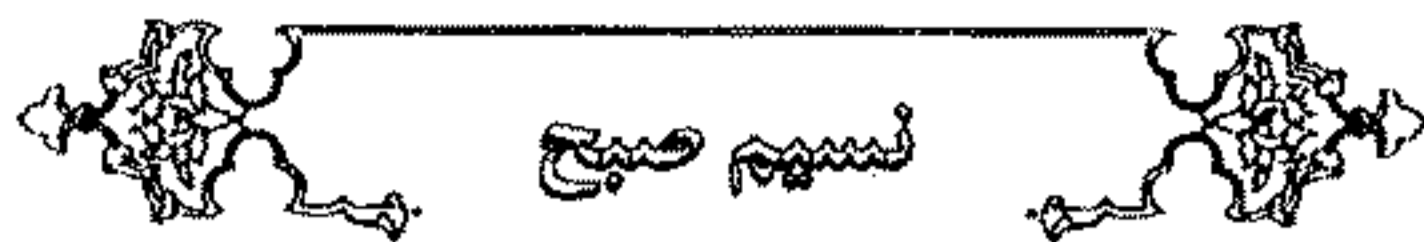
آثار دعا برای
فرج امام زمان



هر آن کسی که به دل عشق روی ماه تو دارد
به شام اول قبرش یقین عذاب ندارد
چو سر ز خاک برآرد به عرصه گاه قیامت
به زیر سایه لطف دگر عقاب ندارد
محاسبات الهی اگرچه سخت و دقیق است
محبّ یوسف زهرا غم حساب ندارد
اگرچه آتش دوزخ هزار شعله فروزد
یقین اثر به دل و سینه کباب ندارد
به ناله دل سوزان «هاشمی» نظری کن
اگرچه تاب نگاهت دل خراب ندارد

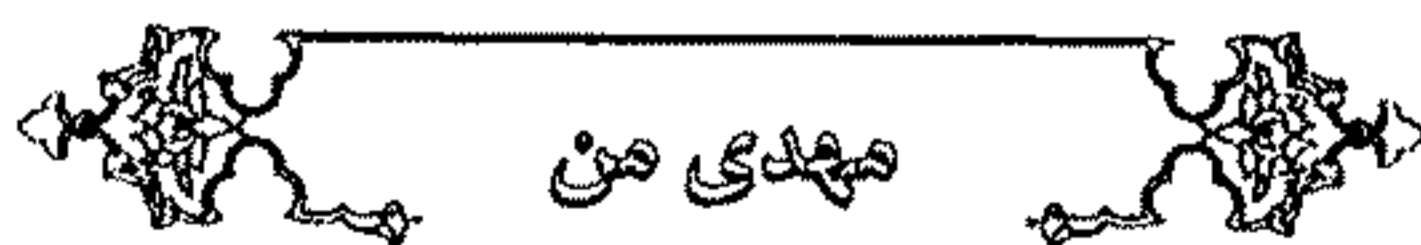


به امیدی به سوی خانه لطف تو رو کردم
حریمت را به شوق وصل مهدی جست و جو کردم
به فرزند عزیزت از زبان من بگو، مهدی
به هر جا و به هر محفل به یادت گفت و گو کردم
رضای مهدیت باشد رضای تو، رضا جانم
پدر را با پسر بهر وصالش روبه رو کردم
اگرچه گل ندارد در کنار مهدیت بویی
به یاد او کنار مرقدت صد غنچه بو کردم
اگرچه گل ندارد پیش رنگ روی او رنگی
ولی هر گل که دیدم یاد رنگ روی او کردم
الا ای ضامن آهو به مهدی عزیزت گو
من این آلوده دامن را ز رحمت شست و شو کردم
ندارد «هاشمی» غیر تماشایت تمنایی
بهشت وصل تو در کوی جدت آرزو کردم



نسیم صبح

نسیم صبح ز کوی نگار می آید
 که با طراوت و بوی بهار می آید
 نسیم صبح دهد مژده وصال حبیب
 که از پی سحرِ شام تار می آید
 نسیم صبح به آهنگ عشق می گوید
 قرار قلب و دل بی قرار می آید
 نسیم صبح به نوید عشق می گوید
 امید عاشق شب زنده دار می آید
 نسیم صبح به شمع خموش می گوید
 چو سوختی به کنارت نگار می آید
 نسیم صبح به قلب شکسته می گوید
 دوا و مرحم قلب فکار می آید
 نسیم صبح به منصور عشق می گوید
 هوای وصل ز بالای دار می آید
 نسیم صبح به صد شور و شوق می گوید
 گل شکفته به بالین خار می آید
 نسیم صبح به سوز و گداز می گوید
 حبیب «هاشمی» بی قرار می آید



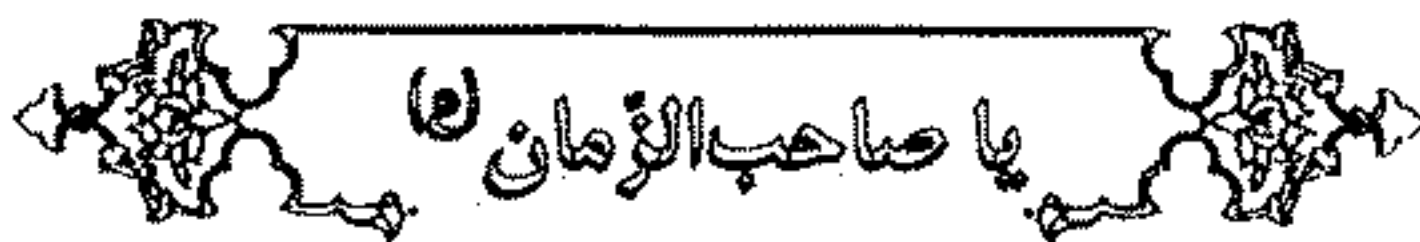
مهدی من

ز سوز عشق خود خاکسترم کن

سپس آواره بحر و برم کن



دلم بیچاره عشق تو گشته
عزیز من، تو بیچاره ترم کن
نمی بینند کسی داغ دلم را
بسوزان، شعله ور پا تا سرم کن
به شمع روی تو پروانه ام من
بیا از سوز عشقت پرپر کن
به مرغ بسمل در خون تپیده
بزن تیرتی و بی بال و پر کن
صدای سوزش دل با تو گوید
مکن خامش مرا، سوزان ترم کن
متاعی نیست جان و سر که گویم
به بازار غمت سوداگرم کن
دو چشمم را دو جیحون کن دوباره
پر از خون سینه پرآذر کن
جنون عشق سامانی ندارد
چنان مجنون، تو بی پا و سرم کن
دل من، دلبر من، مهدی من
به وصل روی خود عاشق ترم کن
چو شمعی «هاشمی» سوزان و گریان
نگاهی سوی چشمان ترم کن



من کیستم فقیر تو یا صاحب الزمان
دلدادۀ حقیر تو یا صاحب الزمان
در راه وصل روی تو از پا فتاده ام
دست مرا بگیر تو یا صاحب الزمان

صید به خون تپیده دام محبتم
 افتاده‌ام به تیر تو یا صاحب‌الزمان
 حیف است پا به خاک گذاری از آنکه هست
 عرش خدا سریر تو یا صاحب‌الزمان
 تشبیه می‌کنند جمال تو را به مه
 ای ماه مستنیر، تو یا صاحب‌الزمان
 اندر کمند گیسوی پرپیچ و تاب عشق
 من کیستم اسیر تو یا صاحب‌الزمان
 پشت زمان زیاد فراق تو بود کمان
 ما هم شدیم پیر تو یا صاحب‌الزمان
 با اشک دیده «هاشمی» دلشکسته گفت
 من کیستم فقیر تو یا صاحب‌الزمان

بِهَانَةُ دَل

بیا که بی تو دل من بهانه می‌گیرد
 به این نشان که ز کویت نشانه می‌گیرد
 به دل ز هجر جمال تو آتشی دارم
 که هر نفس به هوایت زبانه می‌گیرد
 نشسته مرغ دلم روی بام خانه تو
 گمان مبر که جز این گوشه لانه می‌گیرد
 شدم گدای در خانه‌ای که جبرائیل
 همیشه اذن ازین آستانه می‌گیرد
 امام عصر، ولی خدا، عزیز رسول
 که دل سراغ رُخش عاشقانه می‌گیرد
 فدای مادر مظلومه‌اش که در محشر
 سراغ شیفتگان دانه دانه می‌گیرد

تو انتقام بگیر از عدوی خونخواری
که راه فاطمه با تازیانه می‌گیرد
بیا و مادر پهلو شکسته‌ات را بین
ز کوچه با چه دلی راه خانه می‌گیرد
بیا که ناله جانسوز «هاشمی» هر شب
به سوز و آه ز کویت نشانه می‌گیرد

نهایخانه دل

دیده تا بهر تماشای رُخش وا کردم
دامن از اشکِ دو چشم همه دریا کردم
تا غمش را بنشانم به نهایخانه دل
دیده از بهر تماشای رُخش وا کردم
تا که بر دیده کشم خاک عبیرآمیزش
آستان بوسیش از شوق تمنا کردم
دل افروخته از داغ فراقش تا صبح
دیشب از ریختن اشک تسلی کردم
به امیدی که ببینم رُخ ماه تو به خواب
من شب خویش به صد شوق مصفا کردم
باب احسان به روی بنده نبندد مولا
بندهام، روی به خاک در مولا کردم
«هاشمی» بود و سحرگامی و سوز آهی
که دعا بهر جگرگوشه زهرا کردم

نوید وصل

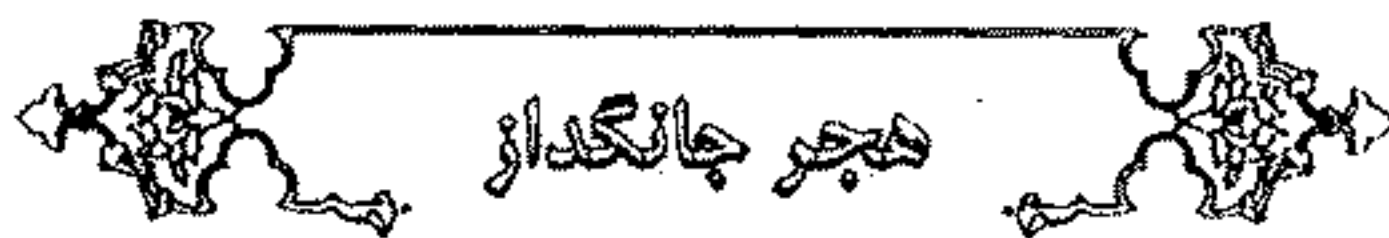
به من زیار سفر کرده‌ام خبر نرسید
شب فراق دراز آمد و سحر نرسید
ز هجر یار دلم خون و سینه‌ام سوزان
چه شد، که این شب هجران دل به سر نرسید
سرشک دیده من صبح و شام می‌بارد
هنوز لحظه دیدار چشم تر نرسید
ندایی از لب یعقوب روزگار رسید
که کور گشتم و از یوسفم خبر نرسید
به کودکان یتیم و به مادران غمین
نه از پدر خبری، نامه از پسر نرسید
به تلخی غم هجر تو خو گرفتم و حیف
نوید وصل تو شیرین‌تر از شکر نرسید
بگفت «هاشمی» بینوا به سوز و نوا
هزار ناله ما را یکی اثر نرسید

دانه خال

اشکم ز غم هجر تو آرام ندارد
چشمم ز تماشای رُخت کام ندارد
بر سوز دل سوخته‌ام گاه نگاهی
ای دوست دلم جز تو دل‌ارام ندارد
مرغ دل وحشی من ای ماهِ دل‌آرا
جز دانه خال تو دگر دام ندارد



دیوانه عشق تو به پیغام بسازد
افسوس که این دل ز تو پیغام ندارد
صد دانه فشاندند و دلم رام نگردید
غیر از سر کوی تو دلم بام ندارد
هر شب بی‌وزم در سر، سودای غمت را
افسوس که جز آرزوی خام ندارد
گفتا ز دل خویش سخن «هاشمی» زار
عبد سیه از خوان تو انعام ندارد



دردی به دل مراست که درمان نمی‌شود
شوری به سر مراست که سامان نمی‌شود
این هجر جانگداز که دل مبتلای اوست
گویی تمام عمر به پایان نمی‌شود
شام فراق روی امام زمان ما
چون صد هزار شام غریبان نمی‌شود
جانی که غیر دوست در آن جا گرفته است
در کوی عشق لایق قربان نمی‌شود
هر کس فدای او بکند زندگی خویش
شاداب گشته است و پشیمان نمی‌شود
هر دیده‌ای که در غم جانان گریسته
فردا به نزد فاطمه گریان نمی‌شود
گفت «هاشمی» به وصل تو دارم امید و حیف
این مشکلی مراست که آسان نمی‌شود

دوست

نسیم صبح، سلامم بپر به محضر دوست

بگوی حال دل خسته‌ام تو در بر دوست

نسیم صبح، چو بر زلف او گذر کردی

بیار همره خود بوی مشک و عنبر دوست

نسیم صبح، به آهنگ عشق و ناز برو

بیوس از طرف من ز پای تا سر دوست

نسیم صبح، دو چشمم به راه می‌باشد

که او فتد به دو چشم سیاه‌منظر دوست

نسیم صبح، به تیر نگاه او سوگند

هزار کشته فتاده به کوی و معبر دوست

نسیم صبح، نوشتم به اشک دیده بیا

پیام من برسان از وفا به کشور دوست

بگوی «هاشمی» خسته‌دل چنین خواهد

که لحظه‌ای بنشیند مگر برابر دوست

امام منتظران

دل‌م ز داغ فراق نگار می‌سوزد

چو شمع از غم آن گل‌عذار می‌سوزد

دل چون لاله من ناله می‌کند شب و روز

ز سوز ناله من لاله‌زار می‌سوزد

قرار عالم هستی به بیقراری من

عنایتی، که دل بیقرار می‌سوزد

آثار دعا برای
فرج امام زمان

اگر به جرم محبت ز نند بر دارم
ز سوزِ سینه من چوب دار می سوزد
اگر که قطره اشکم به آتشی ریزد
ز سوز آتش آن قطره، نار می سوزد
امام منتظران، لحظه‌ای بیا بنگر
که ز آتش غم تو روزگار می سوزد
نوای ناله نالان «هاشمی» گوید
دلسم ز آتش هجران یار می سوزد

آثار دعا برای
فرج امام زمان

دُعَايِ اِمَامِ عَصْرِ (ع)

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيْقَ الطَّاعَةِ وَ بَعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ وَ
عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَ اَكْرِمْنَا بِالْهُدٰى وَ الْاِسْتِقَامَةِ وَ سَدِّدْ اَسْتِنَانَنَا
بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ وَ اَمْلَأْ قُلُوْبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ طَهِّرْ
بُطُوْنَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشُّبُهَةِ وَ اَكْفِفْ اَيْدِيْنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ
السَّرِقَةِ وَ اغْضُضْ اَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُوْرِ وَ الْخِيَانَةِ وَ اَسَدِّدْ
اَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغِيْبَةِ وَ تَفَضَّلْ عَلٰى عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَ
النَّصِيْحَةِ وَ عَلٰى الْمُتَعَلِّمِيْنَ بِالْجَهْدِ وَ الرَّغْبَةِ وَ عَلٰى
الْمُسْتَمْعِيْنَ بِالْاِتِّبَاعِ وَ الْمَوْعِظَةِ وَ عَلٰى مَرْضٰى الْمُسْلِمِيْنَ
بِالشِّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلٰى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلٰى
مَشَايخِنَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِيْنَةِ وَ عَلٰى الشَّبَابِ بِالْاِنَابَةِ وَ
التَّوْبَةِ وَ عَلٰى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّةِ وَ عَلٰى الْاَغْنِيَاءِ
بِالتَّوَاضِعِ وَ السَّعَةِ وَ عَلٰى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ عَلٰى
الْغُرَاةِ بِالنُّصْرِ وَ الْغَلْبَةِ وَ عَلٰى الْاَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَ الرَّاحَةِ وَ
عَلٰى الْاَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ وَ عَلٰى الرَّعِيَّةِ بِالْاِنْصَافِ وَ
حُسْنِ السِّيْرَةِ وَ بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَ الزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَ النَّفَقَةِ وَ
اقْضِ مَا اَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَ
رَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.